

خلاصه مطالب دستوری

الف - جملات پیرو

اغلب جملات پیرو با یک حرف ربط آغاز میشوند. در جملات پیرو فعل صرف شده همیشه در آخر جمله قرار میگیرد.

۱- جمله پرسشی غیرمستقیم

در جملات پرسشی غیرمستقیم کلمات پرسش مانند **warum** یا **was** مانند حرف ربط بکار میروند.

Was machen Sie? Warum will Frau Berger uns sprechen? پرسش مستقیم
Mich interessiert, was Sie machen. Weißt du, warum Frau Berger uns sprechen will? پرسش غیرمستقیم

جملات پرسشی که جواب آنها **nein** یا **ja** است و بهمین جهت آنها را در زبان آلمانی پرسش تصمیمی میخوانند با **ob** یعنی آیا (یا: که آیا) شروع میشوند.

Kommst du? (آری یا نه؟)
Mich hat sie nicht gefragt, ob ich komme.

دقت کنید که در این نوع جمله ها ضمیر جمله پیرو مکن است همان ضمیر جمله پایه نباشد.
du/Sie → ich (mich) / ihr/Sie → wir (uns).

Kommst du? / Kommen Sie? Mich hat man nicht gefragt, ob ich komme.
Kommt ihr? / Kommen Sie? Uns hat man nicht gefragt, ob wir kommen.

هرگاه جمله ای دارای دو فعل باشد فعل صرف شده همیشه در آخر جمله قرار میگیرد.

Weißt du, warum Frau Berger uns sprechen will?
Mich hat sie nicht gefragt, ob ich kommen möchte.

۲ جملات پیرو زمانی

als فقط همراه با صیغه ماضی مطلق فعل میآید. زمان وقوع واقعه در جمله پایه و جمله پیرو یکی است.

Als Herr von Ribbeck starb, waren die Kinder sehr traurig.

bevor در ابتدای جمله پیروئی قرار میگیرد که زمان وقوع آن بعد از وقوع واقعه جمله پایه است.

Bevor Herr von Ribbeck starb, schenkte er den Kindern Birnen.

در جملات پیرو زمانی که با **wenn** شروع میشوند زمان وقوع وقایع در جمله پایه و جمله پیرو یکی است. اینگونه جملات پیرو فقط وقتی در صیغه ماضی مطلق میآیند که عملی بطور مکرر صورت گرفته باشد (هر بار که... همیشه وقتی...)

(این صیغه فعل در زبان فارسی ماضی استمراری خوانده میشود- مترجم)
Wenn Herr von Ribbeck einen Jungen sah, schenkte er ihm eine Birne.

جملات پیرو که با کلمه **obwohl** آغاز میشوند بیانگر یک علت مخالف یا متضاد هستند. مثلاً "شخصی روزانه ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار میکند که البته خیلی زیاد است و لذا چنین شخصی اصولاً" میباید از وضع خود ناراضی میبود ولی نیست. چنین ارتباطی با یک جمله پیرو بیان میشود که در ابتدای آن کلمه **obwohl** میآید.

*Obwohl ich täglich 12-14 Stunden **arbeite**, bin ich zufrieden.*
*Obwohl manche wieder zurückgekommen **sind**, ist es hier leer.*
*Obwohl wir alle gearbeitet **haben**, finden wir keine Arbeit mehr.*
*Obwohl wir arbeiten **wollen**, finden wir keine Arbeit mehr.*

جملات پیرو با **obwohl** ممکن است قبل یا بعد از جمله پایه بیایند. ولی اگر چنین جمله پیرو مقدم بر جمله پایه گردد. در جمله پایه ابتدا فعل و سپس فاعل میآید (جای فعل و فاعل عوض میشود).

*Ich möchte unbedingt nach Griechenland, **obwohl** ich kein Geld habe.*
***Obwohl** ich kein Geld habe, möchte ich unbedingt nach Griechenland.*

۴ جملات غرضی

جملات پیرو که با **um...zu** یا **damit** شروع میشوند قصد و منظوری را میرسانند
 ۱- در جملات پیرو که با **um...zu** شروع میشوند فاعل جمله پایه (HS) و جمله پیرو (NS) یکی است. فعل جمله پیرو در انتهای جمله قرار میگیرد.

HS + HS: ***Viele Einwanderer** kamen. **Viele Einwanderer** wollten hier leben.*
 HS + NS: ***Viele Einwanderer** kamen, **um** hierzu leben.*

در افعال پیشوندی منفصل (جدا شونده) **zu** بین جزء پیشوندی و فعل اصلی قرار میگیرد.

aufmachen: Frau Berger macht ein Hotel auf.
*Das ist ein idealer Platz, **um** ein Hotel auf**zu** machen.*

جملات پیرو که هدف یا مقصدی را میرسانند اگر فاعل جمله پایه با فاعل جمله پیرو یکی نباشد با **damit** شروع میشوند.

*Dort sollten **viele Filme** gedreht werden.*
***Der europäische Film** sollte wieder mehr Bedeutung bekommen.*

اگر این دو جمله را به یکدیگر پیوند دهیم (جمله مرکب بسازیم) جمله پیرو باید با **damit** شروع شود.

*Dort sollten viele Filme gedreht werden, **damit** der europäische Film wieder mehr Bedeutung bekommt.*

۵- جملات مصدری با **zu**

جملات مصدری که فعل آنها همراه با **zu** میآید نوعی دیگر از جملات پیرو هستند. این جملات حرف ربط ندارند و تابع جمله پایه هستند. فعل جمله پایه فعلی است که الزاماً احتیاج به مکملی دارد تا معنی جمله تمام شود. فعل جمله پیرو همیشه بصورت مصدر در انتهای جمله قرار میگیرد و قبل از آن **zu** میآید.

versuchen: Er **versuchte**, die Blaue Blume **zu finden**.

beginnen: Er **beginnt**, die Blaue Blume **zu suchen**.

در افعال پیشوندی منفصل (جدا شونده) zu بین جزء پیوندی و فعل اصلی قرار میگیرد.

mitkommen: Kommen Sie mit! Ich bitte Sie, **mitzu** kommen.

zuhören: Hören Sie zu. Ich bitte Sie, **zuzu** hören.

جمله پیرو را فقط هنگامی میتوان بصورت مصدری ساخت که یکی از مکمل های فعل (فاعل یا مفعول) در جمله پایه با فاعل جمله پیرو یکی باشد. در سه مثال زیر در جمله اول (a) فاعل جمله پایه، در جمله (b) مفعول بیواسطه جمله پایه و در جمله (c) مفعول با واسطه جمله پایه با فاعل جمله پیرو یکی است.

a) Er **versuchte**, die Blaue Blume zu finden. **Er** findet die Blaue Blume.

b) Ich bitte **Sie**, die Blaue Blume zu suchen. Suchen **Sie** die Blaue Blume.

c) Er hilft **mir**, die Blaue Blume zu suchen. **Ich** suche die Blaue Blume.

۶- جمله های شرطی غیر واقعی و جمله های غیر واقعی مبین آرزو با **wenn**

جملات شرطی گویای شرط هستند و کلمه **wenn** که در سر اینگونه جملات قرار میگیرد چنین معنی میدهد: «به این شرط که...». اگر این شرط غیر قابل تحقق باشد از صیغه هائی از فعل استفاده میکنیم که در زبان آلمانی آنها را وجه شرطی دوم فعل میخوانند. اگر واقعه ای که وقوع امر مشروط به آن شده خود غیر قابل تحقق باشد جمله متعاقب جمله اول نیز در وجه شرطی دوم ادا میشود. اختلاف بین جمله واقعی و غیر واقعی در مثال زیر روشن میشود.

Mein Mann lebt noch. Er bleibt auch hier.

Wenn mein Mann noch leben **würde**, **würde** er auch hierbleiben.

در جمله پایه فعل صرف شده در ابتدای جمله قرار میگیرد

Wenn ich es nicht mit eigenen Augen sehen **würde**, **würde** ich es nicht glauben.

جمله غیر واقعی مبین آرزو بیان کننده آرزویی است که تحقق آن دیگر امکان پذیر نیست:

Mein Mann lebt nicht mehr.

Wenn mein Mann noch leben **würde**!

جمله واقعی

جمله غیر واقعی

۷- جملات ربطی (نسبی)

با جملات ربطی (نسبی) درباره يك شخص یا يك شیئی بنحو دقیق تر توضیح داده میشود. در ابتدای جملات ربطی ضمیری قرار میگیرد که آنرا ضمیر موصول میخوانند. ضمائر موصول از نظر شکل ظاهری مانند حروف تعریف معین هستند. ضمیر موصول معمولاً «بلافاصله پس از اسمی میآید که درباره آن توضیح داده میشود و از نظر ساخت دستوری تابع همان اسم است. برای تشخیص این ساخت دستوری و انتخاب ضمیر موصول صحیح باید سه نکته را در نظر گرفت:

۱- اینکه آیا اسم مربوطه مذکر است (*der*) یا مؤنث (*die*) یا خنثی (*das*)

Der / Ein Mann, **der** Böttgerieß, ...

مذکر مفرد

Die / Eine Geschichte, **die** wahr ist, ...

مؤنث مفرد

Das / Ein Hobby, **das** viele Menschen hatten, ...

خنثی مفرد

۲- اینکه اسم مربوطه مفرد است یا جمع
ضمیر موصول جمع در حالت فاعلی و مفعولی بواسطه همیشه **die** است

Die Leute, die das glauben, ...

۳- اینکه فعل جمله پیرو اسم یا ضمیر را در کدامیک از حالات چهارگانه قرار میدهد

haben + AKK.: Er hatte **ein Hobby**. Viele Menschen hatten damals dieses Hobby

جمله ربطی Er hatte ein Hobby, **das** damals viele Menschen hatten.

lieben + AKK.: Der Kaiser starb sehr plötzlich. Viele Menschen liebten **den Kaiser**.

جمله ربطی Der Kaiser, **den** viele Menschen liebten, starb plötzlich.
gefallen+ Dat.: Der Teufel ärgerte Luther. Die Arbeit gefiel **dem Teufel** nicht.

جمله ربطی Der Teufel, **dem** die Arbeit nicht gefiel, ärgerte Luther.

در افعالی که يك حرف اضافه معین و ثابت دارند (جمله a) یا در کلمات تعیین کننده مکان و محل (جمله b) حرف اضافه مربوطه قبل از ضمیر موصول میاید:

a) **glauben an:** Es entstand ein Mythos, **an den** manche glaubten.
warten auf: Der Kaiser, **auf den** man lange gewartet hat, wird zurückkommen.

b) **sich irgendwo verstecken:** So kam Luther auf die Wartburg, **auf** der er sich versteckte.

ب - افعال

۱- فعل مجهول

هنگام شرح دادن واقعه ای میتوان فعل معلوم یا فعل مجهول بکار برد. اختلاف این دو طرز بیان در تکیه یا بذل توجه به فاعل یا به فعل است. بدینمعنی که در جمله دارای فعل معلوم توجه گوینده بیشتر معطوف به کسی است که عملی از او سر زده در صورتیکه در فعل مجهول توجه معطوف به عمل یا واقعه ای است که صورت گرفته است:

Russische Soldaten fällten den Baum.
Der Baum wurde gefällt.

معلوم
مجهول

طرز ساختن فعل مجهول

فعل مجهول با بکار بردن فعل معین (کمکی) **werden** و اسم مفعول (صفت مفعولی) فعل اصلی ساخته میشود مضارع (زمان حال) *Der Baum wird gefällt* (زمان ماضی) (زمان گذشته) *Der Baum wurde gefällt* اگر با وجود بکار بردن فعل مجهول بخواهیم انجام دهنده کار یا عبارتی بانی عمل را ذکر کنیم معمولاً "حرف اضافه **von** را بکار میبریم و کننده کار را در حالت مفعول بواسطه میآوریم:

Der Baum wurde von russischen Soldaten gefällt.

کننده کار ممکن است يك شیئی (موجود بیجان) مثلاً "طوفان باشد:

Der Baum wurde von einem Sturm zerstört.

۱- فعل معلوم فعلی است که به فاعل نسبت داده میشود. فعل مجهول فعلی است که به مفعول نسبت دارد. (تعریف خانلری)

ماضی werden		
	مفرد	جمع
اول شخص دوم شخص (دوستانه) دوم شخص (محترمانه) سوم شخص	ich wurde du wurdest Sie wurden er/sie wurde	wir wurden ihr wurdet Sie wurden sie wurden

۲- افعال منعکسه (دو ضمیره یا برگردنده به فاعل)

در زبان آلمانی افعالی وجود دارند که آنها را باید همیشه بصورت انعکاسی بکار برد. این افعال فقط با يك ضمير نفس (ضمير تاکيد يا ضمير مشارکت) میآیند (جمله a). افعال دیگر هستند که میتوان آنها را بصورت انعکاسی بکار برد بدون اینکه این امر الزامی باشد (جمله b).

a) **sich kümmern:** *Der Hausmeister hat sich um alles gekümmert.*

b) **(sich) treffen:** *Andreas trifft Frau Berger in Potsdam.*

Andreas trifft sich mit Frau Berger in Potsdam.

ضمير نفس برحسب مطابقه نحوی فعل یا مفعول بیواسطه است (جمله c) یا مفعول باواسطه (جمله d).

c) **sich freuen:** *Ich freue mich, daß ich Sie treffe.*

d) **sich vorstellen:** *Ich stelle mir vor, daß ich Sie treffe.*

در جمله خبری دارای ساختمان معمولی جمله، ضمير نفس بلافاصله پس از فعل صرف شده میآید. این گفته در مورد صیغه های مضارع (جمله a) و ماضی نقلی (جمله b) و ماضی مطلق (جمله c) صادق است.

a) *Der Hausmeister kümmert sich um alles.*

b) *Der Hausmeister hat sich um alles gekümmert.*

c) *Der Hausmeister kümmerte sich um alles.*

در جملات امری (جمله d) و جملات پرسشی (جملات e و f) ضمير نفس پس از فاعل میآید ولی فقط در صورتیکه فاعل يك ضمير باشد. اگر فاعل اسم باشد در آنصورت ضمير نفس در جمله معمولی خبری پس از فعل میآید (جمله g).

d) *Kümmern Sie sich um alles!*

e) *Kümmern Sie sich um alles?*

Haben Sie sich um alles gekümmert?

f) *Warum kümmern Sie sich um alles?*

Warum haben Sie sich um alles gekümmert?

g) *Kümmert sich der Hausmeister um alles?*

۳ وجه التزامی دوم

پرای بیان تصور یا امری فرضی یا غیرواقعی صیغه هائی از فعل بکار میرود که مجموع آنها را در زبان آلمانی وجه التزامی دوم میخوانند.

وجه التزامی دوم از نظر زمان وقوع فعل دو صیغه دارد:

مضارع - که از صیغه ماضی فعل ساخته میشود

ماضی - که از صیغه التزامی دوم يك فعل معین (کمکی) و اسم مفعول فعل دیگر ساخته میشود

مضارع				
	haben		sein	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص دوم شخص (دوستانه) دوم شخص (محترمانه) سوم شخص	ich hätte du hättest Sie hätten er/sie hätte	wir hätten ihr hättet Sie hätten sie hätten	ich wäre du wärest Sie wären er/sie wäre	wir wären ihr wärt Sie wären sie wären
<i>Das wäre schön. Ich wäre gern gekommen.</i>			<i>Das hätte ich gern. Wer hätte die bekommen?</i>	

ب - وجه التزامی افعال معین وصفی **können** میتوان یک فرض یا حدس را بیان کرد:
Wir könnten das Schiff gut gebrauchen. Das könnte unser Ende sein.

وجه التزامی فعل معین وصفی **sollen** بیانگر بند و اندرز و نصیحت است:
Diese Chance sollten wir nutzen. Wir sollten nachdenken, was wir tun können.

وجه التزامی افعال معین وصفی باین ترتیب ساخته میشود که به مصدر مَرَّخَم (ماده یا ریشه فعل) علامت صیغه ماضی یعنی **-t-** و شناسه معمولی اشخاص شش گانه افزوده میشود

können	ich könnte
مصدر مَرَّخَم: -könn-	علامت صیغه ماضی: -t- شناسه: -e-

	وجه التزامی دوّم können:		وجه التزامی دوّم sollen:	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص دوم شخص (دوستانه) دوم شخص (محترمانه) سوم شخص	ich könnte du könntest Sie könnten er/sie könnte	wir könnten ihr könntet Sie könnten sie könnten	ich sollte du solltest Sie sollten er/sie sollte	wir sollten ihr solltet Sie sollten sie sollten

ب - صورت دیگر وجه التزامی دوّم با **wird** و یک فعل مستقل
هر فعل مستقل یعنی فعل دارای معنی کامل مانند *machen, rudern, funktionieren* وجه التزامی خاص خود را دارد که در اینجا بیش از این به اینموضوع نمیپردازیم. در زبان آلمانی یک

امکان دیگر برای ساختن وجه التزامی افعال وجود دارد و آن استفاده از فعل کمکی *würd* با شناسه هر يك از اشخاص شنشگانه و مصدر فعل مورد نظر است. *würd* وجه التزامی دوم فعل *werden* است. فعل اصلی جمله همیشه بصورت مصدر در آخر جمله قرار میگیرد. .

وجه اخباری
Das machen wir gern.

وجه التزامی
Das würden wir gern machen.

werden	وجه التزامی دوم	
	مفرد	جمع
اول شخص دوم شخص (دوستانه) دوم شخص (محترمانه) سوم شخص	ich würde du würdest Sie würden er/sie würde	wir würden ihr würdet Sie würden sie würden

Ich würde gern noch mal rudern.

Ohne unsere Eltern würde das nicht funktionieren.

پ - صفات

۱- صفت یا عادی است یا سنجشی. صفت عادی کسی یا چیزی را بدون سنجش با دیگران توصیف میکند.

صفت سنجشی صفتی است که با آن موصوف با کسان یا چیزهای دیگر سنجیده میشود. صفت سنجشی دو گونه است: ۱- صفت برتر (تفضیلی) که موصوف را با يك یا چند فرد هم‌نوع می‌سنجد. ۲- صفت برترین (عالی) که با آن موصوف را با همه افراد نوع خود می‌سنجیم. در زبان آلمانی علامت صفت برتر **er** است که به صفت عادی افزوده میشود. صفت هائی که به **e** ختم میشوند در صفت برتر **e**- حذف میشود (a). صفت هائی که دارای یکی از حروف مصوت **a, o, u** هستند این حرف گاه تغییر صدا میگیرد و تبدیل به **ä, ö, ü** میشود (b). صیغه برتر بعضی صفات بی‌قاعده است (c).

صفت عادی	صفت برتر
a) wenig	weniger
b) lang	länger
c) gut	besser

Zur Zeit kommen weniger Menschen. Können die nicht leiser singen?

Die Treffen wurden politischer.

Man konnte die Universität nicht höher bauen.

۲- مقایسه صفات با **wie** یا **als**

وقتی کیفیت یا صفت دو چیز یا دو شخص را با یکدیگر مقایسه میکنیم پس از صفت یکی از دو کلمه **wie** یا **als** می‌آید بدینترتیب:

الف - **so** + صفت عادی + **wie**

Der Brocken ist so romantisch wie die Deutschen.

ب - صفت برتر + **als**

Mit der Bahn ist es bequemer als zu Fuß.

ت - ضمائر

۱- **da** + حرف اضافه = قیدی که بجای ضمیر بکار میرود

مفعولی را که تابع حرف اضافه ثابت فعل است میتوان از جمله حذف کرد و کلمه دیگری بجای آن گذاشت که از ترکیب حرف اضافه ثابت فعل با قید **da** ساخته میشود مانند **damit**. پس **da** جانشین اسمی میشود که مفعول جمله است. اگر حرف اول حرف اضافه مصوت (صدادار) باشد بین آن و **da** حرف **-r** قرار میگیرد

hören von: Er hat **von der Heilung durch die Natur** gehört.
Er hat **davon** gehört.

machen mit: Was machen Sie **mit den Brennesseln**?
Was machen Sie **damit**?

sagen zu: **Zu der Idee** sage ich nichts.
Dazu sage ich nichts.

schreiben über: Er schreibt einen Artikel **über alternative Medizin ...**
Er schreibt einen Artikel **darüber**.

da جانشین اشیاء یا حالات یا احساسات و امثالهم میشود. اگر مفعول جمله يك شخص باشد نمیتوان بجای آن **da** با حرف اضافه آورد. بلکه حرف اضافه با ضمیر شخصی (مفعولی) میآید.

Ich habe nichts von **Frau Berger** gehört.
Ich habe nichts von **ibr** gehört.

۲- ضمیر نفس (ضمیر تأکید یا ضمیر مشارکت)

ضمیر نفس شکل ثابتی ندارد بلکه پرحسب اشخاص ششگانه و حالت اسم در جمله صور مختلف میآید. ضمیر نفس اصولاً همان ضمیر شخصی (مفعولی) است با استثناء موارد زیر: ضمیر نفس سوم شخص مفرد و جمع و دوم شخص در خطاب محترمانه همیشه **sich** است.

Seit der Wende hat **sich** alles geändert.
Stellen Sie **sich** meine Situation vor!

بعضی افعال دارای ضمیر نفس مفعول با واسطه هستند و بعضی دارای ضمیر نفس مفعول بیواسطه. افعالی را که دارای ضمیر نفس مفعول با واسطه هستند حفظ کنید زیرا تعداد آنها کم است مانند:

sich etwas vorstellen: Das kann ich **mir** gut vorstellen.

ضمیر نفس			
مفعول بیواسطه- جمع	مفعول بیواسطه-مفرد	مفعول بیواسطه-مفرد	مفعول بیواسطه-مفرد
wir stellen uns vor	wir freuen uns	ich stelle mir vor	ich freue mich
ihr stellt euch vor	ihr freut euch	du stellst dir vor	du freust dich
Sie stellen sich vor	Sie freuen sich	Sie stellen sich vor	Sie freuen sich
sie stellen sich vor	sie freuen sich	er/si stellt sich vor	er/siefreut sich

بعضی افعال فقط بصورت انعکاسی بکار میروند. بعضی دیگر را میتوان بصورت انعکاسی بکار برد بدون اینکه این کار الزامی باشد. این افعال اگر بصورت انعکاسی بکار روند معنی آنها فرق میکند.

	با ضمير نفس	بدون ضمير نفس
treffen	Wann treffen wir uns ?	Wann trifft Andreas Dr. Thürmann?
vorstellen	Ich stelle mir vor, daß ...	Ich stelle Ihnen meine Eltern vor.
erinnern	Erinnern Sie sich , daß ...	Nichts sollte an Herrn von Ribbeck erinnern.